

نه) تا کنون تبادل عند العالم را خواندیم حال تبادل عند اهل المحاوره:

دوم: «تبادل عند اهل المحاوره»

هدایة المسترشدين در تقرير اين فرض می نویسد:

«أن الجاهل بلسان قوم إذ أراد معرفة أوضاعهم رجع إلى أرباب ذلك اللسان فإذا وجد انسباق معنى من اللفظ عندهم حال الإطلاق و انتفاء القرائن، علم وضع اللفظ بإزائه في لسانهم و جرى ذلك مجرى نصهم بوضع ذلك اللفظ له بل هو أقوى منه لاحتمال الكذب فيه بخلاف المقام لما عرفت من كون الفهم المذكور من لوازم الوضع المساوية له و الظاهر أن ذلك كان طريقة جارية لأرباب اللغة في معرفة الأوضاع اللغوية كما يشهد به ملاحظة طريقتهم و حينئذ فنقول إن العلم بالوضع موقوف على سبق المعنى من اللفظ عند العالم بالوضع و سبقه عنده موقوف على علمه بالوضع لا على علم ذلك الجاهل المتمسك بالتبادل فلا دور»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱) کسی که زبان اهل قومی را نمی داند، وقتی می خواهد وضع لغات را در نزد آنان بشناسد، به صاحبان همان زبان مراجعه می کند، و اگر معنایی در نزد آنها، از لفظ منسب می شد (در حالیکه قرینه ای نیست و لفظ مطلق است) علم به وضع پیدا می کند.

۲) این روش، مثل آن است که اهل لغت، تصریح کنند به اینکه این لفظ برای این معنا وضع شده است.

۳) و این روش از «نص اهل لسان» قوی تر است چرا که در تصریح و نص احتمال کذب هست ولی در اینجا این احتمال هم نیست. [ما می گوئیم: نص اهل لغت هم اگر به حدّ تواتر برسد احتمال کذب ندارد، ضمن اینکه، «معنای تبادل عند اهل المحاوره» را هم ما به وسیله خبر مطلع می شویم]

۴) و این روش متداول لغوی ها در معرفت وضع است.

۵) در این روش دور هم راه ندارد چراکه علم عند اهل المحاوره علت تبادل است و تبادل علت علم عند الجاهل. ما می گوئیم:

در مورد تبادل عند اهل المحاوره یک اشکال مهم قابل طرح است: در تبادل عند العالم چون در افق نفس خود عالم است، احتمال کذب نمی رود، ولی در تبادل عند اهل المحاوره این احتمال موجود است که معنایی برای اهل محاوره متبادل نباشد و آنها دروغ بگویند. به عبارت دیگر این تبادل همراه با خبر است و خبر هم ظن آور است. در جواب ممکن است بگوئیم: اگر ما علم به تبادل عند اهل محاوره داشتیم [مثلاً خبر دال بر تبادل محفوف به قرائن بود یا به حدّ تواتر رسید]، علم به وضع پیدا می کنیم و اگر ظن به تبادل داشتیم، ظن به وضع پیدا می کنیم.

۱. هدایة المسترشدين، ص ۴۵

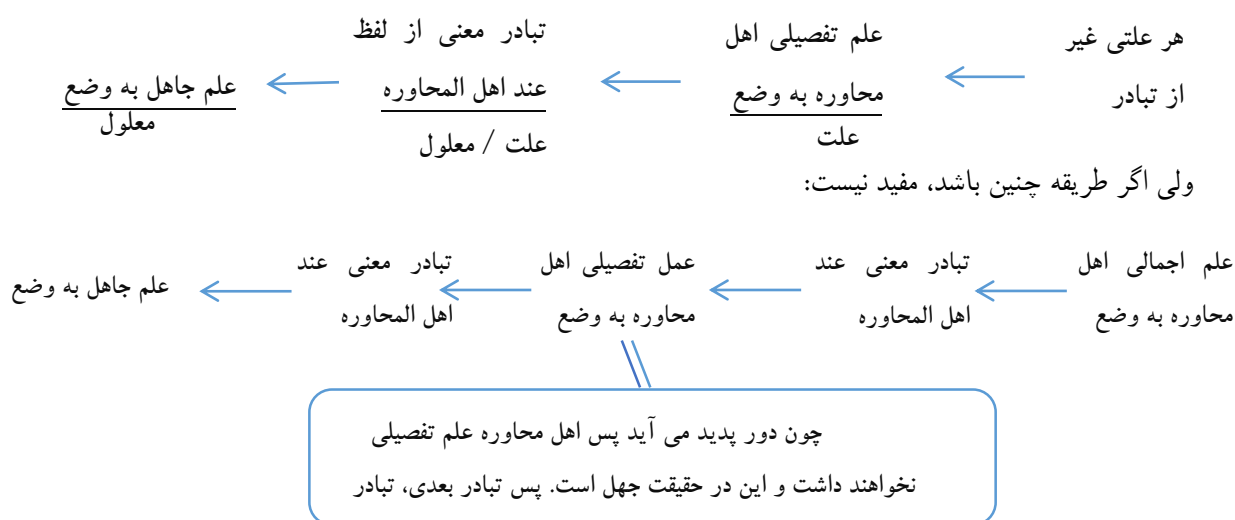


✚ **إن قلت:** ظن حاصله به چه دلیل حجت است؟

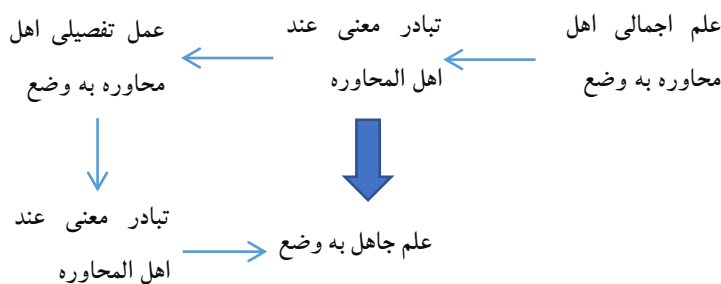
✚ **قلت:** حضرت آیت الله وحید خراسانی این ظن را به دلیل سیره عقلانیه حجت بر می شمارد.<sup>۱</sup>

✚ **إن قلت<sup>۲</sup>:** اگر کسانی تبادل عند العالم را به سبب لزوم دور، قبول نداشته باشند در تبادل عند اهل المحاوره، احتمال می دهند که علم آنها به وضع هم ناشی از تبادری باشد که دارند (و لذا درباره آنها مشکل دور باقی است). در این صورت جاهل احتمال می دهد که تبادل در نزد آنها ناشی از علم آنها به وضع باشد (علمی که ناشی از تبادل عندهم بوده است).

پس تبادل عند اهل المحاوره حتی اگر به حد تواتر رسیده باشد، باعث علم جاهل به وضع نمی شود. پس اگر طریقه مطابق با نمودار ذیل باشد، تبادل اهل محاوره مفید است:



✚ **قلت:** اهل محاوره دو تبادل ندارند و لذا در چهار چوبه فوق علم جاهل وضع ناشی از اولین تبادل است.



۱. تحقیق الاصول، ج ۱ ص ۱۷۹

۲. همان



حال از این نکته، این امر مستفاد می شود که یا «تبادر عند اهل المحاوره» هم علامت ندارد و یا مشکل دور مرتفع است (چراکه معنی ندارد تبادر عند اهل المحاوره برای جاهل علم آور باشد ولی برای خودشان علم آور نباشد). پس می توانیم بگوییم: تبادر عند اهل المحاوره تنها در جایی علامت است که از قبل بدانیم آن اهل محاوره به سبب تبادر (تبادر پیش خودشان) علم به معنی پیدا کرده باشند. چراکه در فرض دیگر [اینکه از راه دیگری علم تفصیلی به وضع داشته باشند] آنها عالم هستند و تبادر نزد آنها، علامت حقیقت بودن معنی، نیست بلکه نوعی اخبار از حقیقت است. پس اهل زبان گاه از معنای حقیقی به صراحت خبر می دهند و گاه از معلول آن (تبادر) خبر می دهند و ما با استدلال به حقیقت پی می بریم..

ده) اصولیون شرط اینکه، تبادر علامت حقیقت باشد را «استناد انسباق إلى حاق اللفظ» می دانند یعنی اینکه باید معلوم باشد که تبادر ناشی از نفس لفظ است و نه ناشی از قرینه (و لو قرینه شهرت).

